



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

محدویت و فرقه ها

رضا برونجکار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدویت و فرقه‌ها

نویسنده:

رضا برنجکار

ناشر چاپی:

نشریه موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مهدویت و فرقه‌ها
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	شیخیه
۷	عقاید و آراء
۹	فرقه‌های شیخیه
۱۰	مسأله رکن رابع
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مهدویت و فرقه‌ها

مشخصات کتاب

نویسنده: برنجکار | رضا؛

نشریه: موعود

نوع نشریه: عمومی

نوع سند: مقاله

تاریخ/شماره: ۲۱

کلیدواژه: مهدویت؛

اشاره

اندیشه پر بار «غیبت و مهدویت» در طول تاریخ از دستبرد فکری و عقیدتی و آسیب بداندیشان در امان نبوده و هر از چند گاهی کسانی با دستاویز قرار دادن این اندیشه به فریب مردم عوام پرداخته‌اند. سابقه این عمل حتی به پیش از دوران تولد امام مهدی، علیه‌السلام، می‌رسد. جریان فطحیه و واقفیه و بسیاری از فرقه‌های دیگر که در طول تاریخ بتدریج از جریان شیعه امامیه (اثنی عشری) جدا گشته، دستاویزی جز روایاتی که از طریق نبی اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، درباره غیبت آخرین امام نقل شده بود، نداشتند. در سده‌های اخیر نیز فرقه‌هایی اندیشه ناب مهدویت را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف و آمال دنیوی خویش قرار دادند و چند صباحی خلق روزگار را به اباطیل خود مشغول ساختند. بدون شک آسیب‌شناسی اندیشه مهدویت و پالایش این اندیشه از افکار انحرافی بر غنای هر چه بیشتر آن خواهد افزود و نسل جوان را نیز از درافتادن به برخی از این انحرافها؛ حفظ خواهد کرد. در سلسله مقالات حاضر تلاش شده که به گونه‌ای علمی و مستند برخی از اندیشه‌هایی که در دوران معاصر در ارتباط با موضوع مهدویت مطرح شده‌اند مورد نقد و بررسی قرار گیرد. باشد که مورد توجه اهل نظر قرار گیرد.

شیخیه

«شیخیه» نامی است که به پیروان شیخ احمد احسایی (۱۱۶۶ - ۱۲۴۲ ق.) گفته می‌شود. زادگاه احسایی روستای «مطیرفی» واقع در منطقه «احساء» می‌باشد. احساء از مراکز قدیمی تشیع بوده است و امروزه ایالتی است در شرق عربستان سعودی بر ساحل غربی خلیج فارس، به مرکزیت شهر «هفوف». احسایی در پنج سالگی قرآن را نزد پدرش شیخ زین‌الدین احسایی آموخت. ادبیات عرب و مقدمات علوم دینی متداول را در احساء فرا گرفت. او از رؤیایی در ایام تحصیل خود یاد می‌کند که در آن شخصی تفسیر عمیقی از دو آیه قرآن به وی ارائه کرده بود. وی می‌گوید: «این رؤیا مرا از دنیا و آن درسی که می‌خواندم رویگردان ساخت.» این حالت سرآغاز تحولی معنوی در زندگی شیخ احمد بود که رؤیاهای الهام‌بخش دیگری را در پی آورد. او می‌گوید: «پس از آنکه به دلالت یکی از رؤیاهای عبادت و تفکر بسیار پرداخته است، پاسخ مسایل خود را در خواب از ائمه اطهار، علیهم‌السلام، دریافت داشته و در بیداری بدرستی و مطابقت آن پاسخها با احادیث پی برده است.» احسایی در سال ۱۱۸۶ ق. مقارن با آشوبهای ناشی از حملات عبدالعزیز حاکم وهابی سعودی به احساء، به کربلا- و نجف عزیمت کرد و از حوزه درس بزرگان تشیع همچون آقا محمدباقر وحید بهبهانی، سید علی طباطبایی صاحب ریاض، میرزا مهدی شهرستانی و سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر

کاشف‌الغطاء، بهره‌مند شد و اجازه‌های متعدد روایی از مشاهیر عالمان دریافت کرد. احساسی علاوه بر فقه و اصول و حدیث، در طب و نجوم و ریاضی قدیم و علم حروف و اعداد و طلسمات و فلسفه مطالعاتی کرد و در سال ۱۲۰۹ ق. به سبب بروز طاعون از عتبات به احساء بازگشت و در سال ۱۲۱۲ ق. به عتبات مراجعت نمود. سپس بصره را مسکن دائمی خویش قرار داد. در این هنگام بود که برای نخستین بار شروع به بیان بعضی از عبارات معماگونه و مرموز نمود که خشم علمای متشرعه بصره را برانگیخت. در سال ۱۲۲۱ ق. به قصد زیارت عتبات به کربلا و نجف سفر کرد و سپس به قصد زیارت حضرت رضا، علیه‌السلام، عازم خراسان گشت. در بین راه در یزد توقیفی کرد. اهل یزد از او استقبال گرمی به عمل آوردند و از وی خواستند که نزد آنان بماند و او اجابت کرد و پس از بازگشت از مشهد، یزد را مسکن خویش قرار داد و شهرت بسیاری کسب کرد. چندی بعد فتحعلی شاه وی را به تهران دعوت نمود و در حق او نهایت احترام را به جا آورد و از شیخ درخواست کرد تا در تهران مقیم شود، اما او این درخواست را رد کرد و به یزد مراجعت کرد. در سال ۱۲۲۹ ق. در راه زیارت عتبات به کرمانشاه وارد شد و با استقبال مردم و شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه حاکم کرمانشاهان روبرو گشت و به اصرار حاکم در کرمانشاه اقامت کرد. در مدت اقامتش در آنجا سفرهایی به قصد حج و زیارت عتبات انجام داد. پس از مرگ دولت‌شاه، در سال ۱۲۳۷ ق. عازم مشهد شد و در میانه راه چندی در قزوین توقف کرد. در همین زمان بود که با مخالفت برخی عالمان روبرو شد که پاره‌ای از دیدگاه‌هایش را غلوآمیز و انحرافی تلقی می‌کردند. نخستین مخالفت آشکار با احساسی از جانب ملا محمد تقی برغانی، معروف به شهید ثالث، از عالمان بانفوذ قزوین صورت گرفت. نقل شده است که برغانی در آغاز مانند دیگر بزرگان قزوین، حرمت شیخ را نگاه می‌داشت، اما در مجلسی که احساسی به بازدید او رفته بود، از روی آگاهی، عقیده خاص وی را در باب معاد جسمانی جویا شد و پس از شنیدن پاسخ، به وی اعتراض کرد و آن مجلس با جدال اطرافیان به پایان آمد. این رویارویی به میان مردم نیز کشید و جمعی از علما از احساسی کناره جستند. رکن‌الدوله، علینقی میرزا حاکم قزوین، محفلی برای آشتی علما با حضور آن دو ترتیب داد اما این بار گفتگو به تکفیر احساسی از جانب برغانی انجامید و انتشار این تکفیر توقف بیشتر احساسی را در شهر دشوار ساخت. احساسی از قزوین به مشهد و سپس به یزد و از آنجا به اصفهان و کرمانشاه رفت و در تمام شهرها با سردی از او استقبال شد، گرچه هنوز هم کمابیش از پایگاه مردمی برخوردار بود. اما تلاش برغانی در تأکید بر تکفیر او و نامه‌هایی که در این باره می‌نوشت، از عواملی بود که عرصه را بر احساسی در واپسین سفرش به کربلا- تنگ کرد و او را از نیت ماندگار شدن در آنجا منصرف ساخت. آنچه از فتوای برخی علما بر ضد احساسی نوشته‌اند، مربوط به همین اوان و پس از آن است. در مقابل، گروهی دشمنی با او را روا نمی‌شمردند، از آن جمله فقیه نامدار حاج محمدابراهیم کلباسی بود که آسان فهم نبودن پاره‌ای از آراء و تعبیرات احساسی را باعث سوء تفاهات و تکفیرها می‌دانست و آرای احساسی را در چارچوب عقاید امامیه تلقی کرده او را از علمای امامیه معرفی می‌کرد. به هر حال احساسی از کربلا- به مکه رفت و سپس از راه مکه عازم موطن خود گردید، اما در نزدیکی مدینه در سال ۱۲۴۱ ق. درگذشت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. آثار فراوانی در زمینه‌های گوناگون از احساسی باقی مانده است. از مهمترین آثار او «جوامع الکلم» است که در دو جلد چاپ شده است و حاوی پاسخهای او به سؤالات و نیز قصائدی در رثای امام حسین، علیه‌السلام، است. «شرح الزیارة الجامعة الکبیره» بزرگترین و معروفترین اثر احساسی است که در چهار مجلد منتشر شده است. کتاب دیگر او «حیاء النفس فی حظیره القدس» است که کتابی مختصر در اصول عقاید می‌باشد. از دیگر آثار منتشر شده احساسی می‌توان از «شرح العرشیه»، «شرح المشاعر»، «العصمه و الرجعه»، «الفوائد»، «مجموعه الرسائل»، و «مختصر الرسالة الحیدریه فی فقه الصلوات الیومیه» نام برد. [۱].

عقاید و آراء

مبنای اصلی شیخ احمد که بیانگر روش اصلی اوست این است که همه علوم و معارف در نزد پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، و اهل بیت

او، علیهم‌السلام، می‌باشد و تنها راه کشف معارف، توسل به معصومان و مراجعه به آثار آنان است و آدمی به استقلال قادر به درک هیچ یک از علوم اعتقادی و عملی نیست. او این مطلب را در شرح فقرات متعددی از زیارت جامعه بیان کرده است. وی در شرح فقره‌ای از این دعا می‌نویسد: «اگر معتقدیم عقل می‌تواند به معارف دینی دست یابد بدان جهت است که هدایت و نور عقل از هدایت و نور معصومان است لذا مخالفان امامان با وجود به کارگیری عقلشان تنها به عقاید باطل می‌رسند». او در این باره عقیده محیی‌الدین ابن عربی درباره وحدت وجود را ذکر می‌کند و از او با تعبیر ممیت‌الدین یاد می‌کند و از ملاصدرا به جهت پیروی از ابن عربی در برخی عقاید، انتقاد می‌کند. احساسی نتیجه می‌گیرد که عقل به صورت مستقل قادر به درک حقایق نیست بلکه تنها با استمداد از انوار اهل‌بیت و مدد رساندن آنان به حقایق و علوم، حتی در مسایلی چون صنایع و زراعت دست می‌یابد. [۲] توجه به تهذیب نفس و کشف و شهود از سوی احساسی در همین راستا قابل تفسیر است. او در زهد، ریاضت و سیر و سلوک عرفانی شهره عام و خاص بود. حال به برخی آرای احساسی اشاره می‌کنیم: معاد: معروفترین رأی احساسی درباره کیفیت معاد جسمانی است، و همین نظریه دلیل اصلی تکفیر او از سوی برخی علما از جمله برغانی بود. احساسی اصل معاد جسمانی را که در آیات و احادیث متعدد بر آن تأکید شده می‌پذیرد اما تفسیر خاصی از جسم ارایه می‌دهد. معنی متداول و عرفی معاد جسمانی این است که آدمی در حیات اخروی همچون حیات دنیوی دارای کالبد ظاهری مرکب از عناصر طبیعی است. احساسی معاد جسمانی به این معنی را نمی‌پذیرد. او می‌گوید: «جسم در احادیث اعم از جسد است. اجساد در مقابل ارواح به کار می‌رود ولی اطلاق اجسام عامتر از این است». به اعتقاد او آدمی دارای دو جسد و دو جسم است. جسد اول مرکب از عناصر زمانی است. این جسد مانند لباس است که گاهی همراه انسان است و گاهی همراه او نیست و این جسد لذت و درد و طاعت و معصیت ندارد، همانطور که فرد معصیت‌کار وقتی به مرض سختی دچار می‌شود و اکثر جسد او از بین می‌رود، باز ما او را همان معصیت‌کار می‌دانیم. بنابراین جسد اول، جسد اصلی انسان نیست. این جسد پس از مرگ از بین می‌رود و در حیات اخروی همراه انسان نمی‌باشد. جسد دوم عبارت است از طینت انسان که از عالم «هورقلیا» است. عالم «هورقلیا» همان عالم برزخی است که حد وسط میان عالم ملک (عالم مادی) و عالم ملکوت (عالم مجرد) می‌باشد و بدان، عالم مثال نیز می‌گویند. جسد دوم، جسد اصلی انسان است و در قبر باقی می‌ماند و پس از نفع اسرافیل در صور (نفخه دوم یا نفخه بعث)، روح وارد همین جسد می‌شود و برای محاکمه و جزا فرا خوانده می‌شود. بدین ترتیب در هنگام مرگ روح از هر دو جسم جدا می‌شود، اما در معاد با جسد دوم همراه می‌گردد. اما جسم اول، جسمی است که روح پس از مرگ و مفارقت از دو جسد، همراه آن است و انسان با آن جسم پس از مرگ وارد بهشت یا جهنم دنیوی می‌شود و مشغول لذت بردن یا عذاب کشیدن می‌گردد. پس از نفخه نخست (نفخه صعق) روح و جسم اول نابود می‌شود و پس از نفخه دوم (نفخه بعث) روح به وجود می‌آید و وارد جسم دوم و نیز جسد دوم می‌شود. احساسی تأکید می‌کند که بدن اخروی انسان که عبارت از مجموع جسم دوم و جسد دوم می‌باشد، همان بدن دنیوی انسان است، با این تفاوت که بدن دنیوی کثیف و متراکم است، اما بدن اخروی از تصفیه‌های متعدد عبور کرده و لطیف و خالص شده است. از همین جا نتیجه می‌گیرد که به معاد جسمانی معتقد است ولی عقیده ضروری امامیه بر این است که همین بدن عنصری در روز قیامت برانگیخته می‌شود، حتی به نصّ قرآن خطوط ریز انگشتان نیز همانند دنیا خواهد بود. امامت: پس از مسأله معاد، امامت و جایگاه امام در آفرینش مهمترین و مشهورترین عقیده احساسی به شمار می‌رود و عقیده وی در این باره موجب گشته تا برخی او و فرقه شیخیه را در زمره غالیان به شمار آورند. احساسی معصومان، علیهم‌السلام، را واسطه فیض خدا می‌داند به این معنی که پس از آنکه خداوند معصومان، علیهم‌السلام، را خلق کرد، آنان به اذن و مشیت الهی موجودات دیگر را آفریدند. او نقش معصومان، علیهم‌السلام، در آفرینش جهان را بر اساس علل اربعه ارسطویی توضیح می‌دهد. به اعتقاد او معصومان، علیهم‌السلام، محل مشیت و اراده خداوند هستند و اراده آنان، اراده خداست. از این رو معصومان، علیهم‌السلام، علت‌های فاعلی موجودات جهان می‌باشند. از سوی دیگر، مواد موجودات از شعاع انوار و موجودات

معصومان هستند، لذا آنها علل مادی آفرینش نیز به شمار می‌روند، علل صوری بودن معصومان، علیهم‌السلام، به این دلیل است که صورتهای اشیاء از صورتهای مقامات و حرکات و اعمال آنهاست. البته صورت مؤمنان همانند صورت معصومان، علیهم‌السلام، و صورت کافران مخالف صورت آنان است. همچنین معصومان علت غایی عالم‌اند زیرا اگر آنها نبودند چیزی خلق نمی‌شد و خلقت موجودات به خاطر خلقت معصومان است. [۳].

فرقه‌های شیخیه

پس از فوت شیخ احمد احسایی، یکی از شاگردانش به نام سید کاظم رشتی (۱۲۱۲ - ۱۲۵۹ ق.) جانشین او گردید. سید در جوانی به یزد رفت و به شیخ احمد پیوست و سپس به کربلا رهسپار شد و تا پایان عمر در آن شهر به تدریس و ترویج مکتب شیخیه مشغول بود. وی بالغ بر یکصد و پنجاه جلد کتاب و رساله نوشت که غالباً با زبان رمزی و نامفهوم است. برخی معتقدند منشأ اکثر آرای نادرست شیخیه، سید کاظم رشتی است و احسایی بدانها اعتقاد نداشته است. [۴]. یکی از شاگردان سید کاظم، میرزا علی محمد ملقب به باب بود که پس از فوت سید، مدعی جانشینی او شد و پس از آن ادعای بابت امام غایب و سپس ادعای نبوت خویش را مطرح ساخت، شرح عقاید او در بحث از فرقه بابیه ذکر خواهد شد. دیگر شاگرد سید کاظم، حاج محمد کریم خان قاجار (۱۲۲۵ - ۱۲۸۸ ق.) فرزند حاج ابراهیم خان ظهیرالدوله پسرعمو و داماد فتحعلی شاه بود که مدعی جانشینی سید گردید و فرقه شیخیه کرمانیه را تأسیس کرد. این فرقه به نام کریمخانیه نیز نامیده می‌شود. پس از حاج محمد کریم خان، اکثر شیخیه کرمان، فرزندش محمدخان (۱۲۶۳ - ۱۳۲۴ ق.) را به عنوان رئیس شیخیه پذیرفتند؛ هر چند رحیم خان یکی دیگر از فرزندان حاج محمد کریم خان، نیز مدعی نیابت پدر بود و طرفدارانی هم پیدا کرد. از دیگر مدعیان رهبری شیخیه، محمدباقر خندق آبادی، نماینده حاج محمد کریمخان در همدان بود که پیروانش فرقه شیخیه باقریه را در همدان ایجاد کردند. اکثریت شیخیه کرمانیه پس از محمدخان، برادرش زین‌العابدین خان (۱۲۶۰ - ۱۲۷۶ ق.) را به رهبری برگزیدند. پس از ابوالقاسم خان ابراهیمی و سپس عبدالرضا خان به ریاست شیخیه کرمانیه برگزیده شدند. عبدالرضاخان در سال ۱۳۵۸ ش. ترور شد. [۵]. در آذربایجان نیز علمای بزرگی به تبلیغ و ترویج آرای شیخ احمد احسایی پرداختند. از علمای شیخیه آذربایجان، سه طایفه مهم قابل ذکر است. نخستین طایفه شیخیه آذربایجان، خانواده حجه‌الاسلام است. بزرگ این خاندان میرزا محمد مامقانی معروف به حجه‌الاسلام (م. ۱۲۶۹ ق.) است که نخستین عالم و مجتهد شیخی آذربایجان است. او مدتی شاگرد شیخ احمد احسایی بوده و از او اجازه روایت و اجتهاد دریافت کرد و نماینده وی در تبریز بود. او همان شخص است که حکم تکفیر و اعدام علی محمد باب را در تبریز صادر کرد. حجه‌الاسلام سه فرزند دانشمند داشت که هر سه از مجتهدان شیخی تبریز به شمار می‌رفتند و به لقب حجه‌الاسلام معروف بودند. فرزند ارشد او میرزا محمدحسین حجه‌الاسلام (م. ۱۳۱۳ ق.) نام داشت و در نزد سید کاظم رشتی تلمذ کرده بود. فرزند دوم او میرزا محمدتقی حجه‌الاسلام (م. ۱۳۱۲ ق.) نام داشت و از طبع شعر برخوردار بود. تخلص او «تیر» می‌باشد. [۶] فرزند سوم او، میرزا اسماعیل حجه‌الاسلام (م. ۱۳۱۷ ق.) نام داشت و از شاگردان میرزا محمدباقر اسکویی بود. فرزند میرزا محمدحسین حجه‌الاسلام، میرزا ابوالقاسم حجه‌الاسلام (م. ۱۳۶۲ ق.) آخرین فرد روحانی خانواده حجه‌الاسلام بود. دومین طایفه شیخیه آذربایجان، خانواده ثقة‌الاسلام است. میرزا شفیع تبریزی معروف به ثقة‌الاسلام بزرگ این خاندان است. وی از شاگردان شیخ احمد احسایی بوده است. فرزند او میرزا موسی ثقة‌الاسلام نیز از علمای شیخیه تبریز بود. میرزا علی معروف به ثقة‌الاسلام دوم یا شهید نیز از همین خانواده است. او در سال ۱۳۳۰ ق. به جرم مشروطه‌خواهی و مبارزه با روسها، به دست روسهای اشغالگر تزاری در تبریز به دار آویخته شد. برادر او میرزا محمد نیز از علمای شیخیه تبریز به شمار می‌رفت. سومین طایفه شیخیه آذربایجان، خاندان احقاقی است بزرگ این خانواده میرزا محمدباقر اسکویی (۱۲۳۰ - ۱۳۰۱ ق.) می‌باشد که از مراجع فقه و دارای رساله عملیه بود. او شاگرد میرزا حسن

مشهور به گوهر (م. ۱۲۶۶ ق.) از شاگردان شیخ احمد احسایی و سید کاظم رشتی، بوده است. فرزند میرزا محمدباقر، میرزا موسی احقاقی (۱۲۷۹ - ۱۳۶۴ ق.) نیز از علما و مراجع بزرگ شیخیه است. او کتابی تحت عنوان «احقاق الحق» نگاشت و در آن عقاید شیخیه را بتفصیل بیان نمود. پس از این تاریخ، او و خاندانش به احقاقی مشهور شدند. در این کتاب برخی آرای شیخیه کرمان و محمد کریم خان مورد انتقاد و ابطال قرار گرفته است. [۷] از جمله فرزندان میرزا موسی احقاقی، میرزا علی، میرزا حسن و میرزا محمدباقر هستند که از علمای بزرگ شیخیه بودند. هم‌اینک مرکز این گروه کشور کویت است و ریاست آنان را میرزا حسن احقاقی بر عهده دارد که مرجع فقهی شیخیه اسکو و دیگر مناطق آذربایجان می‌باشد. [۸]. شیخیه کرمان و آذربایجان در اعتقادات خود را پیرو آرای شیخ احمد احسایی و سید کاظم رشتی می‌دانند اما در فروع دین و اعمال با یکدیگر اختلاف نظر دارند. کرمانی‌ها از شیوه اخباری‌گری پیروی می‌کنند و به تقلید از مراجع اعتقاد ندارند. اما شیخیه آذربایجان به اجتهاد و تقلید معتقدند و از مراجع تقلید خودشان پیروی می‌کنند. البته در عقاید نیز شیخیه آذربایجان برخلاف شیخیه کرمان، خود نیز به اجتهاد می‌پردازند و آرای شیخ احمد و سید کاظم را بر اساس تلقی خویش از احادیث تفسیر می‌کنند.

مسأله رکن رابع

یکی از اختلافات شیخیه کرمان و آذربایجان مسأله رکن رابع است. شیخیه کرمان اصول دین را چهار اصل توحید، نبوت، امامت و رکن رابع می‌دانند. مراد آنها از رکن رابع، شیعه کامل است که واسطه میان شیعیان و امام غایب می‌باشد. [۹]. همین اعتقاد است که میان شیخیه (کرمان) و بابیه ارتباط ایجاد می‌کند. چنانکه در بحث از بابیه خواهیم دید پس از درگذشت سید کاظم رشتی، سید علی محمد باب مدعی شد که شیعه کامل و رکن رابع است که واسطه میان شیعیان و امام غایب است اوست. در نتیجه مقام بابت امام عصر را از آن خود دانست و خود را دروازه اتصال با مهدی موعود معرفی کرد. گرچه او در ادامه کارش مدعی مقام بابت علم خداوند نیز گردید، اما شیخیه آذربایجان بشدت منکر اعتقاد به رکن رابع هستند. [۱۰] و اصول دین را پنج اصل توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت می‌دانند. آنان چنین استدلال می‌کنند که شیخ احمد احسایی در ابتدای رساله «حیوة النفس» و سید کاظم رشتی در رساله «اصول عقاید»، اصول دین را پنج اصل مذکور می‌دانند و در هیچ یک از کتب و رسایل این دو نفر نامی از رکن رابع برده نشده است. [۱۱].

پاورقی

- [۱] دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۶۲ - ۶۶۴؛ دائرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۰۰ - ۵۰۱.
- [۲] شرح الزیارة الجامعة الکبيرة، ج ۳، ص ۲۱۸ - ۲۱۹ (کرمان، چاپخانه سعادت، ۱۳۵۶ ش).
- [۳] شرح الزیارة، ج ۴، ص ۲۶ - ۳۰؛ مجموعه الرسائل (مشمول بر ۲۳ رساله)، ص ۳۰۸.
- [۴] شرح الزیارة، ج ۳، ص ۲۹۷؛ ج ۴، ص ۴۸ - ۷۹؛ مجموعه الرسائل، ص ۳۲۳.
- [۵] السيد محسن الامين، اعيان الشيعه، ج ۲، ص ۵۹۰.
- [۶] ر.ک: محمدجواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۶۶ - ۲۶۸.
- [۷] دیوان اشعار او با مقدمه و حواشی میرزا عبدالرسول احقاقی در سال ۱۳۸۸ در چاپخانه شفق تبریز به طبع رسید. درباره تاریخ خاندان حجةالاسلام از مقدمه این کتاب نیز استفاده شد.
- [۸] ر.ک: احقاق الحق، ص ۱۶۷ - ۲۲۳.
- [۹] ر.ک: میرزا عبدالرسول الحائری الاحقاقی، قرنان من الاجتهاد و المرجعية فی أسره الاحقاقی.]

[۱۰] آنان معاد و عدل را از اصول عقاید نمی‌شمارند، چرا که اعتقاد به توحید و نبوت، خود، مستلزم اعتقاد به قرآن است و چون در قرآن عدالت خدا و معاد ذکر شده است، لزومی ندارد که این دو اصل را در کنار توحید و نبوت قرار دهیم.

[۱۱] ر.ک: احقاق الحق، ص ۱۶۷ - ۲۲۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

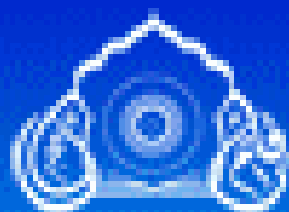
ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

